Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 1, Spring 2023, 133-154
DOI: 10.21859/priw-130106

Sadegh Hedayat and the crisis of national identity with a look at the story "Seeking Forgiveness" from the series "Three Drops of Blood"

Seyyed Mohammad Kazem Nabavi[1], Mohamadreza Hatami[2], Ahmad Bakhshayesh ardestani[3]

Date of Received: 2023/03/17 **Date of Acceptance**:2023/04/03

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

In this research, while providing definitions for national identity and crisis of national identity, the story seeking forgiveness of Sadegh Hedayat was analyzed using Skinner's hermeneutic method. The result of the study shows that Sadegh Hedayat in this story by presenting a dark and black face of seeing and introducing religious people as criminal and ignorant people has caused the destruction of the religious aspect of the national identity and the views of this secular intellectual by using the tools of stories and stories have caused the creation of And the identity crisis has spread in Iranian society, and its continuation can be seen even today.

Keywords: National identity, crisis of national identity, Sadegh Hedayat, seeking forgiveness, three drops of blood

1. PhD student, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. smknabavi62@gmail.com

2. Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran.(responding author) , m.hatami@pnu.ac.ir

3. Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۳۴
سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، صص ۱۵۴ – ۱۳۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۶

صادق هدایت و بحران هویت ملی با نگاهی به داستان «طلب آمرزش» از مجموعه «سه قطره خون»

سیدمحمد کاظم نبوی[۱]
محمدرضا حاتمی[۲]
احمد بخشایشی اردستانی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در این پژوهش ضمن ارائه تعاریفی برای هویت ملی و بحران هویت ملی، داستان طلب آمرزش صادق هدایت با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینر مورد تحلیل قرار گرفت. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که صادق هدایت در این داستان با ارائه چهره‌ای کریه و سیاه از دیدن و معرفی دینداران به عنوان انسان‌های جنایت‌کار و نادان باعث تخریب جنبه مذهبی هویت ملی شده و دیدگاه‌های این روشنفکر سکولار با استفاده از ابزار قصه و داستان باعث به وجود آمدن و گسترش بحران هویت در جامعه ایرانی شده است که تداوم آن را می‌توان تا به امروز هم مشاهده کرد..

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، بحران هویت ملی، صادق هدایت، طلب آمرزش، سه قطره خون

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی ، واحد تهران جنوب ،دانشگاه آزاد اسلامی ،تهران،ایران smknabavi62@gmail.com
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور،تهران، ایران.(نویسنده مسئول) m.hatami@pnu.ac.ir
۳. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. hm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

مقدمه:

با ورود به قرن بیست و یکم، جهان شاهد تحولات متعدد و گسترده‌ای شد که ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت‌تأثیر خود قرارداد؛ یکی از چالش‌برانگیزترین تغییرات، دگرگونی در ابعاد شناختی و به طور دقیق‌تر هویتی مردمان روزگار ماست. در گذشته‌های نه‌چندان دور، هویت هیچ‌گاه به‌عنوان مسئله مهمی به شکل امروز مطرح نبود؛ زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزش‌های سنتی هدایت می‌شد حرکت می‌کرد؛ اما افول منابع هویت‌ساز و رشد روزافزون و سریع الگوهای هویت‌ساز جدید مثل «رسانه‌ها» و «فناوری» به‌طورکلی فرایند نوسازی و توسعه؛ هویت افراد، از خردترین سطح آن تا کلان‌ترین سطح آن که آن را هویت ملی نام نهاده‌اند دچار بحران و تغییر شد. در بین ابعاد هویتی، بی‌شک عام‌ترین سطح آن، یعنی هویت ملی جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند. هویت ملی علاوه بر ایجاد همبستگی میان افراد جامعه، مسیر و هدف جمعی آن را نیز مشخص می‌کند. دولت‌ها باتکیه‌بر هویت ملی، نظام ارزشی خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد جامعه القا می‌کنند. هویت ملی متغیری محوری در تعریف ارزش‌ها و هنجارهای جمعی افراد جامعه است. (ربانی، رستگار، ۱۳۹۲) هویت تصویر ذهنی‌ای است که شخص در پاسخ به چیستی و کیستی خود به دست می‌دهد هویت از دیدگاه نشانه‌شناسی دلالتی است بین فرد و اجتماع. هر فردی برای ساخت رابطه خود با اجتماع، باید هویتی بسازد هویتی که بر اساس آن، خود را به جامعه یا دیگر انسان‌ها وصل کند. هر جامعه‌ای برای ساخت رابطه خود با فرد باید هویتی بسازد هویتی که بر اساس آن افراد را به عضویت خود در بیاورد (نجومیان، ۱۳۸۹)

هویت ملی، اصطلاحی متأخر است و جایگزین اصطلاحاتی نظیر منش ملی و بعدها آگاهی ملی شده است (زرگر، آریانفر، ۱۳۸۹)

هویت ملی هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرف آن در میان دیگران است. هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است که رابطه انسان با کشورش را نشان می‌دهد و فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی از خود است، اینکه چه کسی بوده و چه کسی هست، خاستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروز چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی دارد و بالاخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعهٔ خود کارآمد خواهد بود (جعفرزاده پور، حیدری، ۱۳۹۳)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

هویت ملی را می‌توان یک حس بالندگی میان مردمی دانست که به طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و از منافع مشترک، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک برخوردار هستند. هویت ملی مفهومی دووجهی است که هم زمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد به این معنی که از یک سو با تأکید بر مشترکات ما را پیرامون محوری واحد متحد و «ما» می‌کند و از سوی دیگر این «ما» را در مقابل غیر یا دیگری قرار می‌دهد و بدین صورت ما را در وجود تشابهات داخلی و تمایزاتشان با دیگری شناسایی می‌کند (ربانی، رستگار، ۱۳۹۲)

تاریخ معاصر ایران را می‌توان تاریخ معضل هویت ایرانیان به شمار آورد. زیرا از دوران قاجار به بعد و به‌ویژه در نهضت مشروطیت، هویت ایرانیان تحت‌تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی و رشد ملی‌گرایی با مشکلات و بحران‌های مهمی روبه‌رو شد و این موضوع هم‌زمان شد با شکل‌گیری و رشد افکار روشنفکری در بین متفکران و نویسندگان ایرانی. اگرچه جریان روشنفکری در دوران مشروطه شکل گرفت؛ اما تثبیت این جریان را باید در دوران پهلوی جست‌وجو کرد. از نظر این جریان روشنفکری، اسلام عنصری بیگانه و تحمیلی تلقی می‌شد که ایران و جامعه ایرانی را از گذشته پر شکوه و خلوص نژادی جدا کرده و به وضعیت زبونی دچار ساخته است. پس اولین گام در جهت پیشرفت زدودن اسلام از هویت ایرانیان و بازگشت به میراث پرشکوه گذشته است (سلیمانی و آزرمی، ۱۳۹۶) از سویی ادبیات داستانی این امکان را فراهم می‌کند که با بازنمایی شرایط جامعه به جست‌وجو درباره مسائل اجتماعی پیچیده بپردازیم و به این دلیل تحلیل داستان‌های نویسندگان امکان تحلیل اجتماعی - سیاسی نویسنده و زمانه او را فراهم می‌کند (سیدفرجی، طهماسبی و صدرایی، ۱۴۰۱) صادق هدایت یکی از جمله روشنفکرانی است که از قضا از تأثیرگذارترین نویسندگان ادبیات داستانی معاصر بوده و بسیاری از نویسندگان و مترجمان معاصر پس از صادق هدایت در خلق داستان و کتاب‌های خود از او الگو گرفته‌اند. این پژوهش بنا دارد با نگاهی به یکی از مهم‌ترین داستان‌های صادق هدایت نقش و تأثیر او را در ایجاد بحران هویت ملی را بررسی کند و اینکه این نویسنده در آثارش چه بحران‌هایی را برای هویت ملی یا آغاز کرده و یا به شیوه خلاقانه آن را گسترش داده است.

مبانی نظری

تا سال‌های آغازین ورود مدرنیته غربی به ایران، میان اسلام و عناصر هویتی ایرانیان، تضاد و تناقضی احساس نمی‌شد اما با ورود مدرنیته به کشورهای اسلامی و از جمله ایران و عقب‌ماندگی مشهود در مقام مقایسه با جهان غرب، گروهی از روشنفکران در پی یافتن پاسخ به چرایی عقب‌ماندگی؛ اسلام را عامل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

نابسامانی جامعه ایرانی تلقی کردند. ازاین‌رو در عصر مشروطه و بعدها پهلوی نوعی بازگشت تاریخ ایران پیش از اسلام شکل گرفت که از آن با عنوان جریان باستان‌گرایی یاد می‌شود. این جریان اگرچه از پایگاه اجتماعی لازم برخوردار نشد و به قشر روشنفکران محدود شد؛ اما به دلیل پیوندی که به‌خصوص در دوران پهلوی باقدرت پیدا کرد به‌تدریج نقش پررنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی یافت. (سلیمانی و آزرمی، ۱۳۹۶) واکنش متفکران در برابر فرهنگ و تمدن جدید یکسان نبود. برخی ظواهر و فرهنگ غرب را پذیرفتند و در مقابل پدیده‌های جدید حالت انفعال داشتند. این گروه راه نجات را در تبری از فرهنگ و هویت ایرانی می‌دانستند. میرزا ملکم خان، آخوندزاده و تقی‌زاده از جمله متفکرانی بودند که این تلقی را داشتند. ایشان توسعه اجتماعی ایرانیان را مستلزم آن می‌دانستند که هویت و فرهنگ و ادبیات و خط و زبان و سنن خویش را کنار بگذاریم و به تقلید و اقتباس از غرب بپردازیم. در مقابل این دیدگاه، دیدگاهی وجود داشت که به تبادل میان دو فرهنگ اعتقاد داشت و بنا بود که دلایل عقب‌ماندگی را دریابد. این تلقی بر شناخت عوامل برهم‌زننده سنت و عوامل موجب بحران هویت تأکید داشت و برای حفظ هویت ملی بر سنت‌ها تأکید داشت. این دیدگاه نوعی خودآگاهی بود که بر تداوم سنت و فرهنگ و هویت تأکید می‌کرد. در مقابل این دو دیدگاه، دیدگاه دیگری هم وجود داشت که به فرایند مدرن‌شدن به طور مثبت می‌نگریست و آن را مرحله‌ای از کمال و تکامل تلقی می‌کرد. این دیدگاه هویت ملی را دارای عناصر سه‌گانه، باستانی، مذهبی و غربی می‌دانست. انقلاب مشروطه بر هویت ملی ایرانی دو تأثیر گذاشت که به‌نوعی ایرانیان را با بحران هویت مواجه ساخت. یکی ازبین‌بردن مشروعیت عرفی سلطان بود. در دوران مشروطه سلطنت فاقد مشروعیت عرفی شد و اعتباری را که درگذشته داشت از دست داد. دومین رخداد در دوران مشروطه متزلزل شدن جایگاه متعالی دین بود؛ بنابراین در این دوران بحرانی، هویت ایرانیان متشکل از عناصری پراکنده از قبیل دین، نظام پادشاهی و مدرنیته یا به عبارتی ایرانیت، اسلامیت و مدرنیته غربی بود. (آشنا، ۱۳۸۸) بخش مهمی از روشنفکران عصر مشروطه تحکیم هویت و وحدت ملی را به معنای محو تمایزات و گروه‌بندی‌های قومی، زبانی و مذهبی و یکسان‌سازی و زبان و فرهنگ مردم ایران تعریف می‌کردند. (خرمشاد، کلانتر و صولتی، ۱۳۹۷)

شکل‌گیری بحران هویت ملی

امروزه آنچه در تکاپوی ارتباطات جهانی در معرض تهدید قرار گرفته، شخصیت افراد و اصالت درونی ملت‌هاست. تأثیرات فرهنگ غربی بر بحران هویت ملی و به‌ویژه بحران هویت فردی در ایران انکارناپذیر

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

است. این فرهنگ بر محورهای مختلفی تأثیر می‌گذارد و موجبات بحران را فراهم می‌کند از جمله

- به چالش کشیدن هویت بومی و مذهبی
- به چالش کشیدن هویت ملی ایرانی
- به چالش کشیدن عناصر مذهبی
- به چالش کشیدن هویت سیاسی
- به چالش کشیدن روایت سیاسی جامعه ایران
- به چالش کشیدن اخلاق جامعه و نفی الگوی زندگی بومی.

باید توجه داشت که فرهنگ بنیان اساسی هویت ملی ایران است. نتیجه ازخودبیگانگی افراد، دوری از فرهنگ خود و نبود تثبیت ارزش‌های ملی است. با گسترش ازخودبیگانگی، هویت ملی تضعیف و فراموش می‌شود. (قربان زاده‌سوار و دیگران، ۱۳۹۵)

پیشینه پژوهش

نوازنی، هرسیج و عیوضی (۱۴۰۱) در تحقیقی کمی - کیفی با بهره‌گیری از روش سناریونگاری شوارتز، با عنوان طراحی سناریوهای خروج از چالش هویت در ایران (۱۴۰۰-۱۴۰۱) پنج عدم قطعیت کلیدی در ارتباط با چالش هویت در ایران را شناسایی کردند، تحول رسانه‌ای، تساهل و مدارا، تحول نظام آموزشی کشور، فرهنگ سیاسی و توسعه و کارآمدی. ایشان سناریوی غالب را تداوم وضع موجود و تشدید چالش هویت یافته‌اند.

نظری مقدم (۱۴۰۱) مدارا و تساهل مذهبی ایرانیان را در مواجهه با اقلیت‌های دینی یکی از شاخص‌های هویت ملی ایرانیان دانسته است.

ذاکری و شیروانی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مبنای مولفه‌های هویت آفرین اسلامی - ایرانی» ۲۴ مؤلفه اصلی هویت آفرین اسلامی - ایرانی را در این بیانیه شناسایی کرده‌اند شامل: اقتدار، کارایی، تعهد، آگاهی، تداوم و جهت‌مندی و... و تأکید اصلی رهبر معظم انقلاب اسلامی را در درجه اول بر ایجاد بینش و بصیرت در آحاد ملت و به‌ویژه نسل جوان یافته‌اند.

مرادی و خان‌محمدی (۱۳۹۹)، در تحقیق با نام بررسی وضعیت دین‌داری جوانان شهر سر پل ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن، به این نتیجه رسیدند سه متغیر سرمایه اجتماعی و هویت ملی و هویت قومی ارتباط مستقیم و معناداری با میزان دین‌داری دارند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

خان‌محمدی و کاوه (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های بیگانه با هدف قراردادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به‌عنوان مهم‌ترین مولفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌های غربی با القای ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های اسلامی و انقلابی موجبات بحران هویت در سه سطح فردی، اجتماعی و ساختار قدرت شده‌اند و از این طریق امنیت ملی ایران را تهدید می‌کنند.

عشایری و همکاران (۱۳۹۷) شاخص‌های عمده هویت ملی را جغرافیا، تاریخ، سرزمین، حاکمیت، مذهب، زبان مشترک، استقلال دانسته‌اند و ضمن یک مطالعه پیمایشی، عواملی مانند سرمایه اجتماعی، ارزشی و هنجاری، هویتی را در شکل‌گیری هویت ملی مؤثر دانسته‌اند.

اکبری و عیوضی (۱۳۹۲) به بررسی وضعیت و ابعاد هویت ملی پرداختند ایشان مهم‌ترین ابعاد سازنده هویت ملی را ابعاد زبانی، تاریخی، جغرافیایی و دینی دانستند.

ظروفی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی ارتباط بین هویت ملی و استفاده از رسانه‌ها در بین دانشجویان» به این نتیجه رسیده است که استفاده از تلویزیون با افزایش هویت ملی و استفاده از موبایل و اینترنت ملی با کاهش هویت ملی همراه است.

زهیری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی هویت ملی» هویت ملی را از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی دانسته و آن را فراتر از سایر هویت‌ها قلمداد می‌کند که به ایجاد و پیوستگی در سطح اجتماعی سیاسی مبادرت می‌ورزد.

هارتگن و اپفینگر (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که ارتباط بین هویت ملی و تنوع دینی منفی و معکوس است، درواقع تنوع دینی به همراه احساس نداشتن تجانس به‌صورت مانعی بر ساخت هویت عمومی مشترک عمل می‌کند.

روش پژوهش:

این پژوهش سعی دارد به بررسی بحران هویت با نگاهی به دیدگاه‌های صادق هدایت بپردازد. مرجع اصلی این پژوهش داستان «طلب آمرزش» از مجموعه «سه قطره خون» صادق هدایت است و برای استخراج داده‌ها از تحلیل هرمنوتیک اسکینر استفاده شده است. مسئله اصلی اسکینر این است که برای فهم یک اثر چه رویه‌های مناسبی باید اتخاذ کرد؟ بنا به‌تصریح اسکینر نسبت به این مسئله، دو رهیافت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

ارائه شده است. یکی روش‌شناسی قرائت زمینه‌ای که زمینه را تعیین‌کننده معنای متن می‌داند و لذا فهم هر متن را منوط به فهم زمینه فکری، اجتماعی، دینی و سیاسی و اقتصادی آن متن می‌کند. مطابق این روش‌شناسی، در تلاش برای فهم معنای یک متن باید آن «زمینه کلی» یا چهارچوب نهایی را که متن در آن تکوین‌یافته است بازسازی کرد. دیگری روش‌شناسی قرائت متنی است که بر خودمختاری ذاتی متن به‌عنوان تنها کلید ضروری برای فهم معنای آن تأکید دارد و هر گونه تلاش برای بازسازی زمینه اجتماعی را بیهوده ارزیابی می‌کند. به نظر اسکینر هر دو روش از نا کفایتی رنج می‌برد و هیچ‌کدام از آن‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند روش کافی یا مناسب برای دستیابی به فهم اثر باشد. مطابق روش قرائت متنی، مفسر هر متن صرفاً با تمرکز بر خود متن می‌تواند معنای آن را دریابد. این روش‌شناسی بر دو فرض اساسی بنا شده است، یکی اینکه متن یک ابژه خودکفا بوده و دارای جهانی مستقل و خودمختار است و مفسر با تأمل در این جهان قادر است معنای متن را بدون توجه به‌قصد و نیت مؤلف و نیز بدون نیاز به شناخت زمینه اجتماعی – تاریخی پیدایش آن درک کند. دیگر اینکه متون متضمن سؤالات اساسی و دائمی و ایده‌های عام و فرامتنی است که بشر همواره در طول تاریخ با آنها درگیر بوده و خواهد بود. اسکینر ضمن نقد و نفی این دو فرض به‌نقد روش‌شناسی و قرائت متنی می‌پردازد و نا کفایتی آن را در فهم اندیشه‌های سیاسی آشکار می‌کند (مرتضوی، ۱۳۸۸)

می‌توان فرایند و مراحل روش او را در فهم موضوع مؤلف در شکل زیر خلاصه کرد (اسدی کویجی، رهبر، ۱۴۰۰)

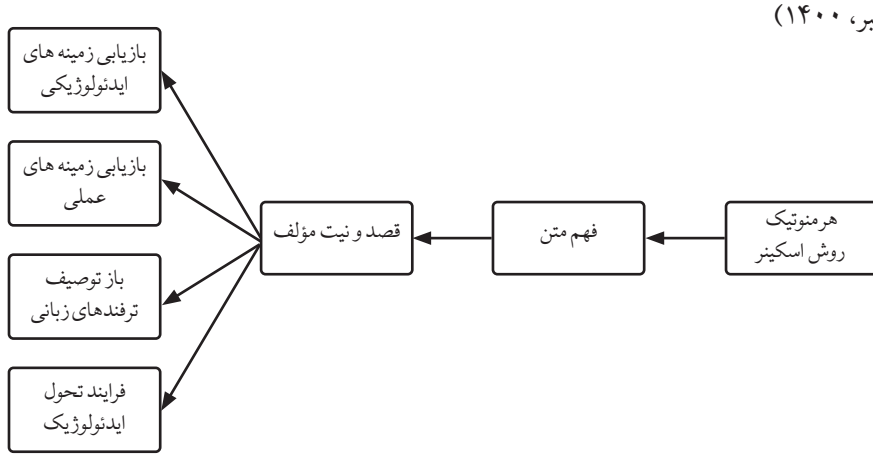

هرمنوتیک اسکینر بر فهم سه موضوع اساسی استوار دانست به این معنی که قصد نویسنده را می‌توان با دو بحث فهم آثار و متون و فهم زمینه‌های تاریخی، و سیاسی بازنمایی کرد (عرفان و همکاران، ۱۴۰۱)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

یافته‌ها

زمینه و زمانه و تأثیر آن بر شکل‌گیری اندیشه‌های هدایت

شکست‌های ایران در جنگ‌های ایران و روس و پذیرش معاهده‌های ننگین ترکمانچای و گلستان علاوه بر این که موجب فهم عقب‌ماندگی بود عباس میرزا و اطرافیانش را متوجه عمق عقب‌افتادگی کشور کرد. مقایسه ایران با کشورهای اروپایی موجب شد که ایشان برای چاره‌جویی اقداماتی را انجام دهند از جمله ترجمه کتاب‌هایی در زمینه دانش، نجوم و ریاضیات و فرستادن شاگردان به اروپا برای تحصیل علم، دومین موج روشنفکری را میرزا تقی‌خان امیرکبیر آغاز کرد، با اینکه دولت او مستعجل بود و مجال نیافت که همه اندیشه‌های بلندش را به کار ببندد؛ اما آنچه در مدتی اندک انجام داد سال‌ها ورد زبان مردم شد (اصیل، ۱۳۸۸) در تعریفی ساده می‌توان روشنفکر را فردی دانست که با کمک عقل قادر به تفکیک‌کردن میان امور است و به همین دلیل نیز نماینده عقل انتقادی در جامعه است؛ لذا اندیشه انتقادی به معنای نقدکردن نیست؛ بلکه به معنای سنجش است. (جهانبگلو، ۱۳۸۴)

بعضی از پژوهشگران، روشنفکران ایرانی را به چند نسل تقسیم کرده‌اند. نسل اول روشنفکران ایرانی که اصلاح‌طلبان دوره آخر قاجاریه بودند و اعتقاد داشتند که مملکت ایران را باید از بالا مدرن و نو کرد. آن‌ها به این امر واقف بودند که برای استمرار حیات ایران، تکیه بر قدرت دینی و تمدنی‌اش کفایت نمی‌کند، به همین جهت نیاز به‌فوریت بخشیدن اصلاحات و تمجید از مفهوم ترقی و پیشرفت را می‌توان در آثار تمام روشنفکران نسل اول دید. آنچه نسل اول روشنفکران ایرانی می‌جستند انطباق نهادهای اروپایی همانند مفهوم حکومت مبتنی بر قانون یا مفهوم تفکیک قوا با شرایط ایران دوره قاجار بود. ایجاد نهادها و مؤسساتی چون دارالفنون و فراموش‌خانه حکایت از آن می‌کند که آنها برای دفاع از استقلال ایران راه مدرنیته ابزاری را ترویج و تجویز می‌کردند. بسیاری از روشنفکران نسل اول در کانون‌های برون‌مرزی از جمله استانبول، قفقاز و قاهره فعالیت می‌کردند.

اما صادق هدایت را می‌توان از جمله روشنفکران نسل دوم تلقی کرد. پارلمان نوپا و تازه‌تأسیس ایران، حیات سیاسی کشور را به میزان قابل‌ملاحظه‌ای تغییر داد، ولی این نهاد نوپا با شکست مشروطیت و روی کار آمدن دولت رضاشاه ایجاد وحدت ملی و تمرکز اداری مملکت مصادف بود. در این دوره نسل دوم روشنفکران ایرانی یعنی افرادی چون فروغی، داور، تقی‌زاده، نیما، هدایت و دیگران پای در صحنه روشنفکری ایران گذاشتند. هدف نسل دوم روشنفکران ایرانی این بود که ساختار جامعه ایرانی را به شیوه‌ای نظام‌مند نوسازی و دنیوی کنند. نسل دوم روشنفکری از سویی کوشیدند از طریق ترجمه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

و نوشته‌جاتشان فضای فرهنگی را برتری بخشند و ایده‌های اروپایی و مدرن را به طور آگاهانه وارد ایران کنند و از سوی دیگر با فرایند اصلاحات سیاسی و اجتماعی رضاشاه مشارکت کردند. نسل سوم رشد طبقه متوسط در ایران و ایجاد نهادهای مدنی چون دانشگاه در کنار حوزه و نهادهای سنتی، روشنفکران نسل سومی را به وجود آوردند که تبدیل به واسطه‌های فرهنگی مهمی شدند و از طریق فعالیت‌ها و آثار آنها جامعه با سرعت بیشتری با پروژه مدرنیته آشنایی یافت. (پورفرد، ۱۳۹۲) در دورانی که صادق هدایت می‌زیست، رضاخان سعی داشت از طریق اتصال‌دادن دولتش با ایدئولوژی ملی‌گرایی و توجه افراطی به پیشینه تاریخی و باستان‌گرایی اقدامات سیاسی مهمی را در آن برهه زمانی به انجام رساند و به‌اصطلاح دست به نوسازی بزند و در این شرایط بسیاری از نخبگان و روشنفکران از تشکیل یک حکومت متمرکز حمایت می‌کردند و حتی در استقرار آن نقش مهمی ایفا کردند (شهریور، ترابی، ابطحی، ۱۴۰۰) درواقع رضاشاه باتکیه‌بر شعارهای باستان‌گرایی که علت‌العلل عقب‌افتادگی ایران را اسلام قلمداد می‌کردند توانست جریان فکری روشنفکری را با خود همراه و هم قدم کند و آنها را در خدمت هدف حکومت خویش قرار دهد (کجباف و احمدوند، ۱۳۹۰)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

فهم متن:

داستان «طلب آمرزش» با سفر عده‌ای به سمت کربلا آغاز می‌شود «باد سوزانی که می‌وزد» و «خاک و شن و داغ» به‌صورت مسافرین می‌پاشد تو گویی انگار مسافرین نه به سمت یک مکان زیارتی بلکه به سمت جهنم در حال حرکت هستند جوری که حتی شتران هم از این سفر ناراضی هستند با «پوزهٔ اخم‌آلود» و «لوچه آویزان» و ناراضی از سرنوشت خودشان و چه‌بسا این سفر که با چشم‌اندازی از بیابان خاکستری و شنزار بی‌آب‌وعلف پر شده است و «هوا می‌سوزاند؛ نفس آدم پس می‌رود» مثل‌اینکه «وارد دالان جهنم شده باشند.» از همین ابتدا نوشته موضع خود را در برابر یکی از نمادهای دینی شیعه و «زیارت کربلا» مشخص کرده است و بیش‌وکم این سفر، سفری به جهنم جهالت توصیف شده است و زائرین هم آدم‌هایی سرتاپا گناه، جانی، متعفن توصیف شده‌اند که به این سفر می‌روند. سفر پر از خرافات و تیرگی و پلشتی توصیف شده است. یکی «با شوهرش دعوا کرده... افلیج شده» آمده تا حضرت شفایش دهد.

داستان با توصیف زائرین ادامه پیدا می‌کند و با توصیف شهر ادامه پیدا می‌کند «دو طرفش دیوارهای خرابه و دکان‌های کوچک بود. در اینجا ازدحام مهیبی برپا شد: عرب‌های پاچه‌ورمالیده، صورت‌های

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

احمق فینه به سر، قیافه‌های آب‌زیرکاه عمامه‌ای با ریش‌ها و ناخن‌های حنا بسته و سرها تراشیده تسبیح می‌گرداندند و با نعلین و عبا و زیرشلواری قدم می‌زدند.» و با این حال و روز آدم‌ها به دنبال « مشتری» می‌گردند »یکی نوحه می‌خواند« یکی «مهر و تسبیح و کفن متبرک» می‌فروشد و... و زائرین هم با هزار و یک جنایتی که مرتکب شده‌اند «به قفل ضریح چسبیده و فریاد می‌زنند یا امام حسین جونم بدادم برس... توبه توبه غلط کردم مرا ببخش.» یک زن « سنجاق زیر گلویش را می‌کشد و توی ملاج بچه می‌کند و بچه‌ای را می‌کشد.» یا «هووش را چیز خور می‌کند» و یا «دو نفر مسافر پولدارش را بین راه کشته و خفه کرده و پولش را به جیب زده» یا هوو افلیجش را کشته تا ارثی به او نرسد و در آخر هم می‌نویسد «مگر پای منبر نشنیدی. زوار همانوقت که نیت می‌کنند و راه می‌افتند اگر گناهش باندازه برگ درخت هم باشد طیب‌وطاهر می‌شود.»

قصد و نیت مؤلف

زمینه‌های ایدئولوژیک: مطالعات هدایت در زمینه های فرهنگ ایران باستان و اندیشه های آریایی و تفکر بودایی و مکتب های جدید ادبی و روانشناسی غرب از یک سو و گرایش عمیق او به مکتب ادبی سوریالیسم از سوی دیگر – در شخصیتش چنان تاثیری نهاده بود که او را به یک نویسنده تاثیرگذار تبدیل کرد. درون‌مایه اغلب داستان‌های هدایت – مرگ‌اندیشی – انتقاد از جامعه تحت استبداد و نفی خرافه‌پرستی است. تصویرها و توصیفات و شخصیت‌ها و چهره‌های داستان‌های او اغلب رنگ ملی دارند. صادق هدایت به‌عنوان نویسنده‌ای متفاوت و فرزند دوران مشروطه در هر دو بعد هویتی در سطح فردی و جمعی قابل طرح است. شناخت هدایت و فهم آثار و اندیشه‌هایش در باب هویت فردی و ملی آسان نیست. هدایت چون قهرمانان برخی از آثارش و زمانه‌ای که در آن می‌زیست چندپاره و درگیر هویت چندگانه است. چندپارگی‌ها کوشش این نویسنده مشهور ایرانی را برای یافتن هویت فردی و جمعی و اصولا رسیدن به هر گونه معنا یا حقیقت استعلایی و نجات دهنده ناکام گذارد. هدایت به‌عنوان یک نویسنده روشنفکر، هویت و منیت خاص خود را داشت، ولی جامعه عقب مانده آن عصر که در گیر و دار تعارض فرهنگ‌های چندگانه ایرانی –اسلامی با فرهنگ مدرن غربی در برزخ سنت و تجدد و نوعی بحران هویتی قرار داشت بر او و آثارش بی‌تاثیر نبود. (جعفری، ۱۳۸۳)

فرایند تحول ایدئولوژیک: پژوهش‌های هدایت در زمینه فرهنگ عامه می‌توانست مبنایی باشد تا بر اساس آن نظریه‌ای را در باب هویت ملی تدوین کند؛ اما در واقع این گونه نشده است به‌جای آن در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

مواجهه با مردم عادی نقدی را متوجه خرافات و تعصبات مذهبی و مذهب کرده است. مثلاً در داستان «طلب آمرزش» رفتار دین‌داری نقد می‌شود که به زیارت می‌روند تا طلب آمرزش کنند و به‌واسطه مقدسین مذهبی و با وجود گناهان بسیاری که مرتکب شده‌اند از خدا بخواهند از تقصیرات آنها در گذرد. (شریفی ۱۳۷۲)

صادق هدایت در نوشته‌هایش بسیار به مقوله‌های دینی به‌عنوان یکی از پایه‌های هویت ملی پرداخته است. او در نوشته‌های خویش به بازتاب وقایع مذهبی و از جمله عاشورا پرداخته است که متأسفانه متأثر از فرهنگ غرب، علیه ارزش‌های دین اسلام و باورهای اصیل مکتب تشیع برخاسته و با اندیشه‌های مذهبی به ستیزه پرداخته است. همچنان که عده‌ای دیگر، بدون قصد و غرض، بلکه صرفاً به دلیل ناآگاهی و بی‌توجهی نسبت به مفاهیم و اندیشه‌های دینی متعرض بخشی از مقدسات دینی شده‌اند. با نگاهی به آثار صادق هدایت، مشخص می‌گردد که داوری غیرمنصفانه پیرامون شخصیت‌ها و ورود ناشیانه به صحنه‌های داستان، نظریه‌سازی منفی، تحریف وقایع تاریخی، همچنین توهین به باورها و ارزش‌های فرهنگی بافت مذهبی ایران، ازجمله عمده‌ترین شگردهای تحریف واقعه عاشورا در آثار هدایت. برشمردن و شناسایی نحوه‌های ورود نویسندگان روشنفکر من‌جمله صادق هدایت به مقوله عاشورا به‌عنوان الگویی جهت عدم تکرار این بدسلیقگی‌ها در دیگر تولیدات حوزه هنر داستان‌نویسی مورداستفاده قرار گرفت به‌نحوی‌که در آثار دیگر نویسندگان هم ممکن است این تحریف‌ها بروز کند. (خلیل و همکاران، ۱۳۹۹)

ترفندهای زبانی

صادق هدایت در داستان «طلب آمرزش» توانسته است با استفاده از تصویرسازی و ترفندهای زبانی و به‌کاربردن استعاره‌هایی به جا که بعضاً ریشه در فرهنگ عوام ایرانیان هم معنایی را که می‌خواهد که همانا تقبیح زیارت و به سخره گرفتن سفر کربلا و متدینین است به کار ببرد. چنانچه گفته آمد تصویری از سفر به جهنم و فلاکت آن می‌سازد با فضاسازی محیطی مثل: «آفتاب سوزان»، «گردوغبار»، چاله‌ای با یک‌مشت آب گندیده، «دیوارهای خرابه» «گنبد طایی باشکوه میان خانه‌های گلی مثل وصله ناجور». علاوه بر آنکه محیط را تصویر می‌کند آدم‌ها را هم آدم‌های با ریخت و روز برگشته و ناجور تصویر می‌کند «عرب پابرهنه با صورت سیاه و چشم‌های دریده و ریش کوسه»، «عرب‌های پاچه‌ورمالیده» ، «صورتهای احمق فینه به سر»، «قیافه‌های آب‌زیرکاه عمامه‌ای» و... جز اینکه آدم‌های داستان از نظر ظاهر شرایط ناجوری دارند افکار پلیدی هم دارند و به‌راحتی از جنایت‌های خودشان در حرم اما حسین (ع) صحبت می‌کنند و انگار

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

روحشان را هم به شیطان فروخته‌اند و فریبکارانه به زیارت آمده‌اند مثل شترهای اول داستان «اخم‌آلود، لوچه آویزان و ناراضی از سرنوشت» و در نهایت در طلب آنچه پای منبر شنیده‌اند «زوار همان وقت که نیت می‌کند و راه می‌افتد اگر گناهش به‌اندازه برگ درختان هم باشد طیب‌وطاهر می‌شود.» هدایت با استفاده از ترفندهای زبانی فضایی از تیرگی و فقدان عقلانیت و به همراه خباثت در یک سفر زیارتی ساخته است. سفری که هم درگذشته و هم امروزه از ارکان فرهنگی ایران شیعی محسوب می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

بحث و نتیجه‌گیری

در یکی دو سده اخیر در ایران هویت مقوله مهمی بوده است و جریان‌های مختلف بنا بر ریشه‌ها و آبشخورهای فکری خود به آن پرداخته‌اند. اهمیت مسئله هویت در آن است که هرگونه پیشرفت و توسعه بر بستر آن امکان‌پذیر می‌شود و اگر جامعه و ملتی هویت مستقل و منسجمی نداشته باشد نمی‌تواند مراحل پیشرفت را طی کند.

در جریان انقلاب مشروطه که مسئله هویت ایرانی در جهان نو در کانون مباحث قرار داشت روشنفکران غرب‌گرا ابتکار عمل را به دست داشتند و می‌خواستند هویت ایرانی را بر اساس فرهنگ پیش از اسلام و سازگار با اندیشه‌های غربی تعریف و تبیین نمایند. تلاش این روشنفکران با مقابله شماری از علمای شیعه مواجه شد و این تقابل در جریان انقلاب مشروطه به شکل تقابل سنت و تجدد یا مشروطه و مشروعه رخ نمود. این بحث و تقابل در دوره پهلوی اول و دوم هم ادامه داشت و بانفوذ روزافزون فرهنگ غرب در ایران و همچنین جولان اندیشه‌های چپ در فضای فکری و مبارزاتی ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. وقوع انقلاب اسلامی و تبیین هویتت اسلامی – ایرانی مسئله هویت‌یابی ایرانیان در عصر مدرن را تا حدودی حل کرد؛ اما جریان‌های معارض و واگرا همچنان معتقد به وجود بحران هویت در ایران بودند و پیرامون آن به نظریه‌پردازی ادامه می‌دادند.

در دهه‌های اخیر و به‌ویژه در یک دهه گذشته باتوجه‌به تحولات سیاسی منطقه‌ای و جهانی مرتبط با ایران بار دیگر مسئله هویت ایرانی موردتوجه جریان‌های مختلف قرار گرفته و بر بستر مشکلات اقتصادی و معیشتی هویت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی به چالش کشیده شده است. در این مقطع بحث هویت ایرانی، با فرض وجود بحران هویت در جامعه امروز ایران پیش کشیده می‌شود. این فرض زاییده این برداشت است که گفتمان انقلاب اسلامی به بن‌بست رسیده و نتوانسته در برابر گفتمان‌های دیگر و به‌ویژه فرهنگ غرب موقعیت خود را حفظ کند. همه بحث‌ها و نظریه‌هایی که در زمینه موضوعات اعتقادی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر از سوی جریان‌های معارض و واگرا مطرح شده است، در واقع باهدف تضعیف هویت اسلامی ایرانی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی و جایگزینی آن با هویت‌های مجعول بوده است. در این جا ما نه با بحران هویت بلکه با جنگ هویت‌ها موجه هستیم و درک ابعاد این تقابل نرم اهمیتی حیاتی دارد.

نقطه آغاز بحث درباره مسئله هویت در ایران، پذیرش وجود بحرانی به نام بحران هویت بوده است؛ بنابراین هر کندوکاوی در خصوص این مسئله منوط به بحث در این مورد و پذیرش یا عدم‌پذیرش وجود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

بحران هویت در جامعه ایران است که خود بحثی است درازدامن. در صورت عدم باور به وجود چنین بحرانی در ایران، مسئله به این شکل مطرح می‌شود که هویت امروز ایرانیان چیست، چه ویژگی‌هایی دارد و چه آسیب‌هایی آن را تهدید می‌کند؟ در صورت باور به وجود بحران هویت مسائل مختلفی پیش کشیده می‌شود از جمله این که علت بروز چنین بحران چه بوده . چگونه باید این بحران بر طرف شود؟ یا این که آن هویتی که قبلا بوده چرا دچار بحران شده است؟

بنا بر تعریف متداول هویت یعنی احساس تعلق به مجموعه‌ای مادی و معنوی که از قبل شکل‌گرفته است. بسیاری از ملل جهان در مقاطعی از تاریخ خود گرفتار بحران هویت بوده‌اند اما کوشیده‌اند تا به‌سرعت مشکلات هویتی خویش را حل کرده و در مسیر پیشرفت حرکت کنند. ایران در مقاطع گوناگون با تحولات هویتی مواجه بوده است. تهاجم اسکندر مقدونی که منجر به برافتادن حکومت هخامنشیان شد، یکی از این مقاطع است. مهاجمان غربی کوشیده‌اند عناصر هویت‌زا=از یونانی را جایگزین عناصر ایرانی کنند؛ ولی موفق نشدند و با گذر زمان، فرهنگ ایرانی بر مهاجمان غلبه کرده و با جذب و هضم جنبه‌های مثبت فرهنگ مهاجم و نفی جنبه‌های نامطلوب آن، خود را بازسازی و تقویت نمود. مقطع بعدی حمله اعراب و ورود اسلام به ایران است. در این مقطع هویت ایرانیان دچار بحران شد؛ اما آنان تا چهار قرن در برابر تغییرات هویتی تحمیلی مقاومت کردند. این مقاومت جنبه سلبی نداشت؛ بلکه با جذب و تطبیق عناصر فرهنگ‌ساز جدید با عناصر از پیش موجود، هویتی تازه با ویژگی‌های برتر و نیرومند شکل گرفت و فرهنگ مربوط به این هویت تازه در سراسر سرزمین‌های تحت سلطه مسلمانان نفوذ پیدا کرد. در جریان حمله ویرانگر مغول این هویت آن قدر نیرومند بود که توانست با وجود همه ناملایمات و ویرانی‌ها و شکست‌ها و ناامیدی‌ها بر مهاجمان غلبه کند و دوباره در زمان حکومت صفویه قدرت خود را بازیابند. تهاجم بعدی از سوی افغان‌ها باز هم هویت ایرانیان را به چالش کشید؛ اما به‌رغم شکست‌ها و سختی‌ها ایرانیان با اتکا به پیشینه فرهنگی خود بر مهاجمان غلبه کردند.

با سقوط صفویه ایران وارد یک دوره بی‌ثباتی مزمن شد که علت اصلی آن نفوذ بیگانگان در ایران باهدف استفاده از منابع ارزشمند آن بود. این نفوذ در دوره قاجار به نفوذ فکری و فرهنگی هم تسری یافت و باعث گسست ایرانیان از مولفه‌های هویت‌ساز خود شد. مردم ایران در دوره قاجار به مرور با تفکرات تجددگرایانه غرب آشنا شدند و روشنفکران آن دوره با مشاهده توانایی‌ها و پیشرفت‌های اروپا اعتقاد دینی و ارزش‌های سنتی را نفی و طرد کردند. به همین دلیل در تاریخ پر فراز و نشیب ایران، بحران هویت در جامعه ایران به وجود آمد. روشنفکران غرب‌گرا بر این باور بودند که تا سنت‌ها و گذشته را رها نکنیم و

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

فرهنگ غرب را نپذیریم رشد و پیشرفتی نخواهیم داشت. این رویکرد موجب خلأ در هویت ایرانیان شد و روشنفکران برای پر کردن این خلأ ابتدا به فرهنگ ایران باستان روی آوردند؛ اما نتیجه آن تنها تشدید بحران هویت بود. باستان‌گرایی در دوره پهلوی اول و دوم هم با شدت تبلیغ و ترویج می‌شد؛ زیرا رژیم پهلوی فاقد گفتمان مستقل و هویت‌ساز بود.

وقوع انقلاب اسلامی بحث پیرامون بحران هویت در ایران معاصر را بیش از گذشته در کانون توجه قرارداد به‌طورکلی یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی و اقبال مردم به گفتمانی که حضرت امام خمینی ارائه کرد، مسئله بحران هویت بود. این مسئله در دهه گذشته متأثر از تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی و همچنان محل بحث و نظریه‌پردازی بوده و با این گفتمان انقلاب اسلامی یک گفتمان هویت‌ساز است نفوذ و هجوم اندیشه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه مانع حل ریشه‌ای آن بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی شده است. درواقع بحران هویت در ایران بحرانی است که به ایرانیان تحمیل شده و همه تلاش جریان‌های ناسازگار با گفتمان انقلاب اسلامی در این جهت بوده و هست که از هویت‌یابی ایرانیان بر اساس گفتمان مذکور جلوگیری شود. به نظر می‌رسد بحران هویت در ایران امروز به دلیل بی‌هویتی نیست؛ بلکه برآمده از بلاتکلیفی در یک فضای چند هویتی است. نسل جوان در ایران با هویت‌های ایرانی، اسلامی و غربی مواجه است بدون آنکه توان تشخیص و تعمیق در هر یک از آنها را داشته باشد. در کنار همه این‌ها جهانی‌شدن نیز بحران هویت را تشدید کرده است آن هم در زمانه‌ای که گسترش ارتباطات مرزهای میان کشورها را تضعیف کرده است.

بحران هویت با فرهنگ نخبگان و توده مردم به‌صورت احساسات ملی در مورد سرزمین خویش ارتباط دارد و تعارض میان وفاداری‌های قومی و تعهدات ملی را تشدید کرده، مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی پدید می‌آورد. بحران هویت در ایران از عوامل محیطی و بین‌المللی برانگیخته شده است. هر چند که عوامل داخلی و عملکرد نظام‌های سیاسی را نمی‌توان نادیده گرفت. هویت و فرهنگ ایرانی در مقاطع مهم تاریخی مورد هماوردجویی تمدن و فرهنگ یگانه قرار گرفته و دچار بحران شده است. در تاریخ معاصر چالش مهم در مقابل هویت ایرانی بانفوذ همه‌جانبه کشورهای غربی در ایران تجلی می‌یابد. هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی در یک‌صد و پنجاه سال اخیر و در نتیجه ضربه‌های ناشی از برخورد با تمدن مغرب زمین اصالت خود را در خطر دید و در ایمان افراد نسبت به آن تزلزل به وجود آمد. در این مقطع هویت ایرانی با تهاجم همه‌جانبه فرهنگ بیگانه که از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی، علمی، هنری، عقیدتی و ایدئولوژیک صورت می‌گرفت مواجه و مورد تهدید واقع شد. جریان‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

معارض گفتمان انقلاب اسلامی در وهله نخست تأکید می‌کند هویت اسلامی امکان تحقق ندارد در این راستا ادعا شده است که دو چهره برجسته شیعه، آیت الله بروجردی و آیت الله خویی مبین رویکرد سنت‌گرایی بودند که تمایلی به سیاست نداشتند و در نتیجه به هویت‌سازی هم نمی‌پرداختند. در کنار این جریان، سنت‌گرایان دیگری بودند؛ مانند داریوش شایگان و سیدحسین نصر که از جنبه‌ای دیگر نظرات خود را مطرح و فرهنگ شرق را در برابر فرهنگ غربی معرفی و تحلیل می‌کردند و بحث هویت را دامن می‌زدند. شایگان تا پیش از انقلاب اسلامی آسیا را در برابر غرب قرار می‌داداما بعد از انقلاب و با تجربه حکومت اسلامی دیدگاهش را تغییر داد و سخن از آسمان‌های متکثر جهان به میان آورد و هویت چهل تکه را مطرح کرد. رضا داوری اردکانی و هواداری او از هویت اسلامی مورد انتقاد جریان‌های تلفیق‌گرا قرار داشته است. داوری اردکانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر مبنای ایده غرب زدگی به‌نقد غرب پرداخت و انقلاب اسلامی به‌مثابه آغاز دوره‌ای در برابر مدرنیته غرب تلقی کرد. از نظر داوری اردکانی غرب یک کل است که دچار نیست انگاری و پوچی و نفسانیت شده است و نمی‌توان از اجزای آن استفاده مفید برد و باید در برابر آن یک هویت اسلامی ساخته شود. منتقدان داوری می‌گویند او پیش از انقلاب اسلامی دیدگاهی سخت‌گیرانه نسبت به غرب نداشت و معتقد بود که نمی‌توان از غرب کناره گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت بود. باری در بحث هویت ایرانی، روشنفکران سکولار بر هویت پیش از اسلام ایرانیان و تلفیق آن با اندیشه و فرهنگ غربی در برابر هویت اسلامی و دینی تأکید می‌کرده‌اند. تأکید روشنفکران بر فرهنگ پیش از اسلام به معنی باستان‌گرایی نبوده؛ بلکه منظور ایشان فاصله انداختن میان هویت ایرانی و اسلام و درواقع تبیین هویت ملی سکولار است. ازاین‌روی ایشان به‌جای تأکید بیش از اندازه بر فرهنگ پیش از اسلام به هویت‌های متنوع و متکثر فرهنگ ایران توجه کرده‌اند. تشتت آرا و نظرات در باب هویت‌یابی در عصر مدرن حاصل ابهام در این مسئله و نفوذ جریان‌های بیگانه در فضای فکری ایران بوده و هست. مادامی که مسئله به طور دقیق و از جنبه‌های مختلف تبیین نشده باشد نمی‌توان به بحثی همه‌جانبه و متعادل در این زمینه رسید. همچنین بدون در نظرداشتن مولفه‌های هویت‌ساز بومی انتظار تبیین هویت ایرانیان در عصر مدرن را نمی‌توان داشت. یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی سیر حرکت مردم مسلمان ایران برای حل مسئله هویت در جهان معاصر بود و گفتمان انقلاب به‌عنوان گفتمان هویت‌ساز توانست از مسائل هویتی ایرانیان را تا حدودی بر طرف کند.

بااین‌همه در سال‌های پس از انقلاب به‌ویژه در دهه اخیر جریان‌های معارض و واگرا همواره در پی تخطئه هویت برآمده از این گفتمان بوده‌اند و بر این ساس بر وجود بحران هویت در جامعه ایرانی تأکید

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

کرده‌اند درحالی‌که هویت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی نه‌تنها دچار بحران نیست و همچنان نافذترین و منسجم‌ترین هویت برای جامعه ایران است. جریان‌های مذکور بحران فکری خود در تبین هویت برای ایرانیان را به هویت موجود منتسب می‌کنند و درواقع بحران گفتمانی خود را بحران هویت جا می‌زنند. هدف این جریان‌ها آن است که با تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و حذف اسلامی سیاسی از هویت ایرانی، خلایی در هویت ایرانیان ایجاد کرده و سپس آن خلأ را با ایدئولوژی مطلوب خود پر کنند و از این طریق شکاف دولت و ملت را دامن زده و جامعه را در مقابل حاکمیت اسلامی قرار دهند.

در این راستا جریان‌هایی مانند روشنفکران سکولار و دینی و نواندیشی دینی، ملی‌گرایی و ایرانشهری، ملی - مذهبی کوشیده‌اند هویت ایرانی را مطابق مبانی فکری و اهداف مورد نظر خود بازتعریف کرده و با جعل هویت در برابر هویت موجود نسل جوان را از گفتمان انقلاب اسلامی منفک کنند. نکته مهم و قابل‌ذکر این است که اگر گفتمان انقلاب اسلامی در مقوله هویت‌سازی برای نسل جوان هویت‌ساز نشود و محتوای مناسب برای حفظ و تعمیق هویت برآمده از آن ارائه نگردد جریان‌های واگرا موریانه‌وار در این مقوله فعالیت کرده و دور از انتظار نیست که در سال‌های آینده نسلی شکل بگیرد که یا درگیر بحران هویت است یا هویت متفاوتی برای خود برگزیده و تسلیم هویت بیگانه شده است. صادق هدایت یکی از این روشنفکران سکولار بود. در داستان طلب آمرزش« که مورد بررسی قرار گرفت هدایت با ارائه چهره‌ای کریه از دین‌داران و تخطئه فرهنگ زیارت و بعضا به سخره گرفتن آن، به بخش اسلامی هویت ملی تخطئه وارد کرده است و تاثیرات این نوشته‌ها تا همین زمان امروز هم امتداد داشته است به نحوی که در سال‌های اخیر هم کمابیش همین فرهنگ و افکار در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و حتی با استناد به داستان‌های هدایت که بسیار بر نویسنده‌های پس از خودش اثر گذاشته است. هدایت با گرایش به باستان‌گرایی و در مقابل آن تمایل به دین‌ستیزی و ارائه چهره خرافی و غیرعقلانی از دین، روشنفکری و آزاد اندیشی را برابر با دین‌ستیزی تفسیر کرده است و متدینین را چرک، خرافی و ابله دانسته است و در حالی که هویت دینی یکی از جنبه‌های هویت ملی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

منابع و مواخذ

اسدی کویجی، علی اکبر، رهبر، عباسعلی (۱۴۰۰)، مناسبات دین و سیاست در فهم هرمنوتیکی نصرحامد ابوزید، دوفصلنامه علمی پژوهش سیاست نظری، شماره ۳۰، ص ۱۸۵-۲۱۶

اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، مترجم منصور انصاری، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

آشنا، حسام الدین (۱۳۸۸) سیاست فرهنگی ایران در دوره رضاخان، درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم

اصیل، حجت الله (۱۳۸۸) رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله (گردآوری) تهران: نشر نی، چاپ دوم

اکبری، حسین، عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت و ابعاد سازنده هویت ملی، علوم اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۱، ص ۳۳-۵۹

پورفرد، مسعود (۱۳۹۲)، صورت بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران، سازمان انتشاران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول

جعفرزاده پور، فروزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳)، فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگ، سال سوم شماره ۱۱، ص ۶۳-۹۶

جعفری، سیاوش (۱۳۸۳)، صادق هدایت، نویسنده‌ای متفاوت و کوششی ناکام برای خویشتن یابی فردی و هویت یابی ملی، مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۳۴

جلیلی، محمد، جمال‌زاده، ناصر (۱۴۰۱)، بازخوانی مولفه‌های هویتی ایران (در تطبیق با عصر صوفی و جمهوری اسلامی)، مطالعات ملی، سال ۲۳، شماره ۳، ص ۷-۳۰

جمال پور، علی (۱۳۶۷)، چهار مقاله (گورکی، سارتر، کامو و هدایت): مبانی التزام در ادبیات ماتریالیستی و جهان‌بینی هدایت، تهران: انتشارات برگ

خان محمدی، یوسف، کاوه، مسعود (۱۳۹۸)، تأثیر تبلیغات غربی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۰، ص ۵۴-۶۹

خرمشاد، محمدباقر، کلانتر مهرجردی، علیرضا، صولتی، حسین (۱۳۹۷)، گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی (با تطبیق اندیشه احمد کسروی و عزت الله سحابی)، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۹، شماره ۱، ص ۲۱-۴۸

خلیلی، میثم، رجبی، کیومرث، رشیدی, صابر. (۱۳۹۹). تحریف‌شناسی عاشورا در ادبیات داستانی معاصر (بررسی آثار صادق هدایت و محمود دولت آبادی). متن پژوهی ادبی (در دست انتشار)

ذاکری، مختار، شیروانی شیری، علی (۱۴۰۱)، تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مبنای مولفه‌های هویت آفرین اسلامی -ایرانی، مطالعات ملی، سال ۲۳، شماره ۱، ۳۳-۵۵

رازنهان، محمدحسن، جودکی، محمدعلی (۱۳۹۵)، بازنمایی هویت ایرانی در اندیشه تاریخ نگاری؛ ولی قلی شاملو، مطالعات ملی، سال ۱۷، شماره ۴، ص ۵۹-۷۸

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

ربانی، علی، رستگار، یاسر (۱۳۹۲)، تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان، جماعه شناسی کاربردی، دوره ۲۴، شماره ۲ ص ۱-۲۰
زرگر، افشین، آریانفر، کاظم علی (۱۳۸۹)، هویت قومی و ملی، مروری بر برخی مفاهیم اساسی حل و فصل منازعات قومی و دولت -ملت سازی، پژوهشنامه بهار، شماره ۵۳، ص ۲۵-۸۰
زهیری، علیرضا (۱۳۸۴)، چیستی هویت ملی، علوم سیاسی، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۲۹-۵۰
سلیمانی, غلامعلی, آزرمی, علی. (۱۳۹۶). ملی‌گرایی باستان‌گرا و بحران در هویت انسان ایرانی؛ بازخوانی پاسخ مطهری. انسان پژوهی دینی، سال ۱۴، شماره ۳۷، ص ۲۰۷-۲۲۳
سیدفرجی، سپیده، طهماسبی، فرها، صدرایی، رقیه.(۱۴۰۱).تحلیل نشانه‌شناختی بحران هویت و زیست زنانه در رمان «ودیگران» از محبوبه میرقدیری، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۶۴(۲۰)، ص۸۳-۱۰۷.
شریفی، محمد (۱۳۷۲)، آثار صادق هدایت، تهران: ناشر مؤلف
شهریور، سیاوش، ترابی فارسانی، سهیلا، ابطحی، علی رضا. (۱۴۰۰). نگاهی تازه بر تامین امنیت اجتماعی دوران رضاشاه (با تأکید بر آزادی‌های اجتماعی - سیاسی، پژوهش نامه تاریخ، دوره ۱۶، شماره ۶۲، ص ۱۳۳-۱۵۸
ظروفی، مجید (۱۳۸۸)، بررسی ارتباط بین هویت ملی و استفاده از رسانه‌ها در بین دانشجویان، مطالعات جامعه شناسی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۳۹-۱۵۵
عرفان، محمد داود، اطهری، سیدحسین، اسلامی، روح الله، نجف زاده، مهدی (۱۴۰۱)، مولفه‌های اندیشه سیاسی مکتب هرات در منظومه فکری مولانا عبدالرمان جامی، پژوهش سیاست نظری، شماره ۳۲، ۲۹۴-۲۶۵
عشایری، طاها، ذوالفقاری، اکبر، نامیان، فاطمه، حسین زاده، الهام. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان. فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، سال ۳۷، شماره ۱۳، ص ۳۷-۶۷
قربان زاده سوار، قربان علی، رحمتی، مهدی، ناطقی، هاشم (۱۳۹۵)، رسانه و هویت ملی (تأثیر رسانه بر شاخص‌های هویت ملی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رسانه و فرهنگ، سال ۶، شماره ۱ ، ص ۱۱۱-۱۳۱
کجباف، علی اکبر، احمدوند، زینب (۱۳۹۰)، جریان باستان گرایی و تشکیل حکومت پهلوی، پژوهش در تاریخ، دوره ۲ شماره ۴، ص ۱۳۷-۱۵۶
مرادی، رامین، خان محمدی، احسان (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر سرپل ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن، جامعه شناسی کاربردی، سال ۳۱ شماره ۷۷، ص ۱۰۹-۱۳۲
مرتضوی، سیدخدایار، (۱۳۸۸)، کاوشی در روش‌شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش‌شناسی قرائت متنی)، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، ص ۲۸۵-۳۰۴
نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۹)، تجربه مهاجرت و پارادوکس همانندی و تفاوت، در مجموعه مقالات نشانه شناسی فرهنگ؛ به کوشش امیرعلی نجومیان، تهران: سخن، ص ۱۱۹-۱۳۱
نظری مقدم، جواد (۱۴۰۱)، مدارا و تساهل مذهبی ایرانیان در مواجهه با اقلیت‌های دینی به مثابه یکی از شاخص‌های هویت ملی، مطالعات ملی، سال ۲۳، شماره ۲ ص ۳۱-۵۰
نوازنی، علی، هرسیج، حسین، عیوضی، محمد رحیم (۱۴۰۱)، طراحی سناریوهای خروج از چالش هویت در ایران (۱۴۰۰-۱۴۱۰)، مطالعات ملی، سال ۲۰، شماره ۱، ص ۷-۲۹

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

Hartgen, K. & Opfinger, M. (2012) "National Identity, and Religious Diversity." Research Paper in Economics, 7 (12): 346-367.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۶

نبوی، سیدمحمدکاظم؛ حاتمی، محمدرضا؛ بخشایشی اردستانی، احمد (۱۴۰۲)، «صادق هدایت و بحران هویت ملی با نگاهی به داستان «طلب آمرزش» از مجموعه «سه قطره خون»» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۱، بهار ۱۴۰۲، صص ۱۵۴-۱۳۳.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]